



سال سوم • بهار و تابستان ۹۶ • شماره ۶

Journal of Islamic Psychology

Vol. 3, No. 6, Spring & Summer 2017

مفهوم‌شناسی در مفاهیم دینی با رویکرد روان‌شناختی: مراحل و شیوه اجرا

مهدی عباسی *

عباس پسندیده **

چکیده

مفهوم‌شناسی از حیطه‌های مهم و بنیادین برای علوم مختلف از جمله روان‌شناسی محسوب می‌شود. بازشناسی مفاهیم روان‌شناختی در متون دینی اسلام نیز یکی از این عرصه‌ها است که سنگ بنای پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی را تشکیل می‌دهد. هدف اصلی این مقاله ترسیم مراحل و شیوه اجرای پژوهش‌هایی است که به منظور استنباط، طبقه‌بندی و تحلیل مؤلفه‌های مفاهیم روان‌شناختی به کاررفته در منابع دینی فراهم می‌شوند. برای این هدف، مفاهیم کلیدی در فرآیند مفهوم‌شناسی توصیف و تبیین شدند. فرآیند مفهوم‌شناسی در سه مرحله جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی، تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های مفهومی و طبقه‌بندی تحلیل مؤلفه‌ها در ابعاد روان‌شناختی توصیف و تبیین شد. استنباط و جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی بر اساس دو گونه از عناصر معنایی و عناصر تحقق مفهوم در ادبیات دینی بررسی شد. به عنوان شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در فرآیند مفهوم‌شناسی، سه اقدام مرکزی‌سازی، نمایش و بررسی روایی محتوایی مؤلفه‌ها انجام شد. در نهایت، طبقه‌بندی مؤلفه‌ها در ابعاد جهت‌گیری‌ها، ویژگی‌های رفتاری، تجربه‌های درونی و کارکردهای روان‌شناختی به عنوان تجزیه و تحلیل دوم داده‌های مفهوم‌پژوهی تشریح شد.

کلیدواژه‌ها: مفهوم‌شناسی، مؤلفه‌های مفهومی، روایی محتوا، ابعاد روان‌شناختی، متون دینی.

* پژوهشگر پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث قم | ym.abbasi@gmail.com

** دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

مقدمه

کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که به نحوی با مفهوم‌سازی یا مفهوم‌شناسی^۱ پیوندی نداشته باشد و از تعریف مفاهیم بی‌نیاز باشد. روان‌شناسی نیز به عنوان گستره‌ای از علوم انسانی از این اصل مستثنا نبوده و فهم، گسترش و تبیین دقیق موضوعات و مسائل آن وابسته به مفاهیم مرتبط است. مفاهیم، پیکره علم و سنگ بنای نظریه‌های علمی را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل، مفهوم‌شناسی را می‌توان کارخانه مصالح و پیکربندی علم دانست (ایمان، ۱۳۸۸، ص ۲۷). در هر تعریفی از مفهوم‌شناسی که ممکن است طرفدارانی داشته باشد و فقط آن را معرف مفهوم بدانند، این نقطه اشتراک وجود دارد: «مفهوم‌شناسی مرتبه‌ای از معرفت است که می‌تواند واقعیت خارجی را بشناساند و برای نظریه‌پردازی ضرورت دارد» (ایمان و کلاته‌ساداتی، ۱۳۹۲، ص ۴۹۳).

مفاهیمی که همواره در جریان پیشرفت علم ساخته می‌شود یا در چارچوب‌های متفاوت بازشناخته می‌شود، در حقیقت همان ابزار و سنگ بناهای تولید، توسعه و گسترش علم‌اند. از این رو ضرورت دارد روش‌های مفهوم‌شناسی به تناسب مراحل رشد و توسعه علمی بازنگری شود یا به تناسب رویکردهای جدید علمی گسترش یابد. طبیعی است که تا تصور روشنی از چیزی نداشته باشیم نمی‌توانیم درباره آن سخن بگوییم. به تعبیر ویتگنشتاین، می‌توان گفت درباره آنچه تصور روشنی از آن نداریم، نباید سخن گفت (به نقل از: فرامرز فراملکی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۶). در نگاهی کلی می‌توان گفت مفهوم‌شناسی، نقش مهمی در بیان مسئله تحقیق، ساختن نظریه، تدوین فرضیه‌ها و گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل داده‌ها دارد؛ و به علاوه، تنها ابزار برقراری ارتباط بین نظریه‌های علمی و جهان تجربی است؛ چراکه مفاهیم و اصطلاحات بیانگر آن دسته از موضوعات تجربی هستند که نظریه راجع به آنها است (بلیکی، ۱۳۸۴^۲، ص ۱۷۱).

می‌توان گفت اولین سابقه مفهوم‌شناسی به دوره خلقت آدم علیه السلام برمی‌گردد، آنجا که خداوند متعال همه [معانی] نام‌ها را به آدم علیه السلام آموخت. سپس آنها را بر فرشتگان عرضه کرد و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید»^۳ (بقره: ۳۱). اما، از دوره نمایانگرشدن تمدن بشری آثار متعدد دانشمندان شامل این ابزار اساسی برای فرآیند روش علمی بوده است. آثار

۱. واژه conceptualization در انگلیسی برای دو اصطلاح «مفهوم‌شناسی» و «مفهوم‌سازی» به کار می‌رود.

2. Blaikie, N. W. H.

۳. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَتُبْنُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ».

لغت‌شناسانی همچون فراهیدی (۱۴۰۹)، ابن‌فارس (۱۴۰۴)، راغب اصفهانی (۱۴۱۲)، مدنی (۱۳۸۴)، زمخشری (۱۹۷۹) و از این قبیل را پس از ظهور اسلام می‌توان منابع غنی مفهوم‌شناسی دانست؛ کتاب‌هایی که در شرح و توصیف واژگان منطق، فلسفه، حکمت، اخلاق، فقه و استنباط، سیاست و علوم اجتماعی و انسانی همچون روان‌شناسی تصنیف شده است که همه در زمره آثار پشتیبان فرآیند مفهوم‌شناسی قرار دارد. امروزه علم روان‌شناسی نیز به طور گسترده با کتب عمومی و تخصصی در توضیح و توصیف مفاهیم سر و کار دارد، تا جایی که در رویکردها و قلمروهای جدید روان‌شناسی مانند رویکرد مثبت‌نگر مجموعه واژگان تخصصی جمع‌آوری و مفاهیم مرتبط با آنها توصیف شده است (مانند لوپز،^۱ ۲۰۰۹). هدف از این توصیف نیز بیشتر به مشخص کردن نشانگرهایی معطوف شده است که می‌تواند تمامیت هر مفهوم را معرفی کند (بای، ۲۰۱۱).

بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه طبقه‌بندی صفات شخصیت و خصوصیات افراد انجام شده مبتنی بر گونه‌ای مفهوم‌شناسی است. زیرا پژوهشگران این عرصه معتقدند رویکرد روان‌واژگانی^۲ می‌تواند به واسطه تحلیل و بررسی صفات شخصیت در زبان طبیعی، ساختار شخصیت را مشخص کند (پی‌بادی^۳ و دی‌راد،^۴ ۲۰۰۲). به علاوه، بخش مهمی از مطالعات واژگانی هر سازه روان‌شناختی را مفهوم‌شناسی تشکیل می‌دهد. بر این اساس، بای (۲۰۱۱) فرآیند مفهوم‌شناسی را به واسطه استخراج نشانگرها و ابعاد مفهوم عرضه کرده است که به وسیله واژگان بیان می‌شود. کاربرد نظریه‌های مختلف زبان‌شناختی در مطالعات واژگانی سازه‌های روان‌شناختی از دیگر رویکردهای جدید در مفهوم‌شناسی است. مثلاً شجاعی، جان‌بزرگی، عسگری، غروی‌راد و پسندیده (۱۳۹۳) نظریه حوزه‌های معنایی را برای بررسی واژگانی ساختار شخصیت در منابع اسلامی به کار برده‌اند. با استفاده از همین نظریه، پسندیده (۱۳۸۴ و ۱۳۸۸) فرآیند مفهوم‌شناسی را برای مفاهیم «عقل»، «تقوا» و «حیا» شرح داده است که اثر وی را می‌توان از جمله کارهای روش‌شناسی در مفهوم‌شناسی قلمداد کرد. وی نخست مراحل هفت‌گانه‌ای را برای مفهوم‌شناسی بیان می‌کند (پسندیده، ۱۳۸۴). سپس رویکردی روان‌شناختی به مفهوم‌شناسی داده و آن را به دو مرحله کلی «فهم عمومی» با پنج زیرمجموعه و «فهم روان‌شناختی» با سه زیرمجموعه، تقسیم کرده

1. Lopez, J. S.
2. psycholexical
3. Peabody, D.
4. De Raad, B.

(پسندیده، ۱۳۸۹) و اخیراً با رویکردی اخلاقی مفهوم‌شناسی را به چهار مرحله «واژه پژوهی»، «مفهوم پژوهی دینی»، «استخراج تعریف» و «تحلیل مفهوم» تقسیم کرده است (پسندیده، ۱۳۹۶).
نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده درباره روش‌شناسی در بررسی مفاهیم دینی نشان می‌دهد این عرصه خالی از کارهای مستقل و منسجمی است که دیدگاه‌های مختلف را در کنار هم قرار دهد و موجب شود ورای جرح و تعدیل‌ها به اتقان کارها افزوده شود. به‌علاوه، همچنان روش مفهوم‌شناسی آن دسته از مفاهیم دینی که جنبه‌های روان‌شناختی آنها بارز است نسبت به روش‌شناسی منسجم و مستقل، بدون مرکبی رهوار و قابل اطمینان ره می‌پیماید. در حالی که بازشناسی مفاهیم روان‌شناختی در منابع دینی اسلام و بازیابی مفاهیم دینی از دیدگاهی روان‌شناختی از مباحثی است که می‌تواند پشتیبان پژوهش‌های اسلامی در حوزه روان‌شناسی باشد. با توجه به این مطالب، ضرورت پژوهش در عرصه مفهوم‌شناسی در مفاهیم دینی با رویکرد روان‌شناختی روشن است. بر اساس این ضرورت، نوشته حاضر به فرآیند مفهوم‌شناسی در قلمرو مفاهیم روان‌شناختی (مفاهیم به‌کاررفته یا قابل کاربرد در علم روان‌شناسی) در منابع اسلامی می‌پردازد. پرسش اصلی این مقاله این است که: پژوهشگران چگونه می‌توانند هر مفهوم را در منابع اسلامی به گونه‌ای توصیف کنند که برای عملیاتی‌سازی آن به عنوان موضوعی برای پژوهش‌های توصیفی، روان‌سنجی یا طراحی مداخله‌های روان‌شناختی به کار آید؟

روش پژوهش

مقاله حاضر از نوع روش‌شناختی است. این نوع مقالات رویکردهای تازه روش‌شناختی، تغییرات و اصلاح روش‌های موجود یا مباحث کمی و رویکردهای تحلیل داده را برای جامعه پژوهشگران عرضه می‌کنند. مقاله‌های روش‌شناختی در سطحی عرضه می‌شوند که پژوهشگران، آن را بفهمند و جزئیات کافی را برای آنها به گونه‌ای فراهم می‌کند که سنجش کاربست‌پذیری روش بررسی مسئله‌شان را بیابند (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۱۳۹۳). تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، به روش کیفی و با استفاده از «توصیف و تحلیل مفهومی» اسناد و متون دینی انجام می‌شود.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش مفاهیمی به کار رفته است که عمدتاً از نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی و روان‌شناسی اقتباس شده است. انتخاب این مفاهیم، همه به منظور شکل‌گیری الگوی مفهوم‌شناسی در حوزه مفاهیم روان‌شناختی اسلامی بوده است. طبیعی است که تعریف اجمالی هر یک از این مفاهیم در ابتدای بحث، انتقال مطالب را به خواننده روان‌تر خواهد کرد.

۱. مفهوم‌شناسی و مفهوم‌سازی

تعریف مفهوم‌شناسی ممکن است بر اساس دیدگاهی که مفهوم در آن تعریف می‌شود متفاوت باشد. مثلاً اگر مفاهیم را اجزای اصلی پیکره علم و سنگ بنای نظریه‌های علمی بدانیم (ایمان، ۱۳۸۸، ص ۲۷) مفهوم‌شناسی فرآیند بازشناسی این اجزا است. اگر مفهوم قصد یا معنای متن یا افعال فردی و اجتماعی فرد است که در چارچوب زبان معنا دارد (علی‌پور و حسنی، ۱۳۹۰، ص ۳۳)، مفهوم‌شناسی فرآیند بررسی و شناسایی قصد، معنای متن، افعال فردی و اجتماعی استفاده‌کننده مفهوم در مجرای زبان است. اگر مفهوم را تجریدی از رویدادهای مشاهده‌پذیر بدانیم که معرف شباهت‌ها یا جنبه‌های مشترک میان آنها باشد (سرمد، بازگان و حجازی، ۱۳۸۰، ص ۲۹)، مفهوم‌شناسی فرآیند بازشناسی این رویدادها، شباهت‌ها، جنبه‌های مشترک و شکل انتزاع آنها است.

در علم روان‌شناسی، فرآیند متمایزی تعریف شده است که در آن مفاهیم، به‌ویژه درباره موضوعاتی که ماهیتی انتزاعی دارند و از حیطه داده‌های تجربی یا ادراک‌پذیر خارج‌اند، شکل‌دهی^۱ می‌شوند. این فرآیند مفهوم‌سازی (یا مفهوم‌شناسی)^۲ نامیده می‌شود (واندن‌بوس،^۳ ۲۰۱۵). طبق این تعریف، وقتی فردی اصطلاحی را به کار می‌برد از طریق فرآیند مذکور منظور خود را از آن اصطلاح مشخص می‌کند. پس واژه «مفهوم‌سازی» در فارسی بهتر از «مفهوم‌شناسی» می‌تواند این معنا را منتقل کند. بابی^۴ (۲۰۱۱، ص ۱۳۵) با در نظر گرفتن تعریف بیان‌شده، مفهوم‌سازی را فرآیندی می‌داند که در آن معنایی مشخص و توافقی برای یک مفهوم به منظور انجام پژوهش به دست داده می‌شود. این فرآیند مشخص کردن دقیق معنا شامل توصیف نشانگرهایی^۵ است که ما برای سنجش مفهوم و جنبه‌های مختلف آن، که ابعاد^۶ نامیده می‌شوند، به کار می‌بریم.

قرآن کریم و ادبیات حدیثی سیره‌ای معصومان علیهم‌السلام در توصیف موضوعات گوناگون، از جمله موضوعات روان‌شناختی، در بردارنده «مفهوم‌سازی» است. یعنی تعبیر و اصطلاحات به‌کاررفته در منابع اسلامی بر اساس ساختاری از اطلاعات شناختی منسجم شکل گرفته است. این ساختار

1. the process of forming concepts
2. conceptualization
3. VandenBos, G. R.
4. Babbie, E.
5. indicators
6. dimensions

اطلاعاتی در مبحثی به نام معناشناسی شناختی بررسی می‌شود.^۱ اینکه این ساختار اطلاعاتی، برآمده از تمام واقعیت است و مبتنی بر حیثیت یا بخشی از واقعیت نیست، باید در جای خودش بحث شود. اما شناخت ساختار اطلاعاتی هر مفهوم در قرآن کریم یا در ادبیات معصومان علیهم‌السلام در شناخت مفاهیم مهم و ضروری است (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۳) که در فرآیند «مفهوم‌شناسی» به دست می‌آید. این نقشه راه می‌تواند نشان دهد که قرآن کریم و ادبیات حدیثی سیره‌ای معصومان علیهم‌السلام در توصیف موضوعات و موقعیت‌های گوناگون چگونه مفهوم‌سازی کرده‌اند.

۲. نظریه حوزه‌های معنایی: مبنای روش شناختی

در سلسله مراتب معرفتی، بین واقعیت خارجی و مفهوم، رابطه مستقیمی برقرار است. از این رو مفهوم‌شناسی مرتبه‌ای از معرفت است که می‌تواند واقعیت خارجی را در پارادایم خاص خود بشناساند. البته در رابطه میان واقعیت و مفهوم، اصالت با واقعیت است و واقعیت است که بار معنایی دارد. پس برای مفهوم‌شناسی وظیفه محقق این است که به طور هدفمند بتواند معنای درونی واقعیت را در قالبی سازمان‌یافته کشف و اعتباریابی کند و تحت عنوان یک مفهوم عرضه بدارد (ایمان و کلاته‌ساداتی، ۱۳۹۲، ص ۴۹۳). از این رو به منظور عرضه مدلی برای مفهوم، روش پژوهش روش کیفی است؛ چراکه کشف یا انتزاع معنا در فرآیند تحقیق و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی صورت می‌گیرد. هدف پژوهشگر بررسی و مطالعه قصد یا معنای متن یا افعال فردی و اجتماعی فرد است که در چارچوب زبان معنا دارد (علی‌پور و حسینی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). مرتبط با همین موضوع، معناشناسی زبانی^۲ به عنوان گونه‌ای از دانش معناشناسی، به چگونگی کشف معنا می‌پردازد. معناشناسی با منطق و فلسفه در ارتباط است اما معناشناسی زبانی به معنای کشف چگونگی کارکرد ذهن در کشف معنا از طریق خود زبان است و نه دانشی خارج از آن؛ و به طور خلاصه، معناشناسی زبانی از معانی واژه‌ها و جملات زبانی بحث می‌کند (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶). این رویکرد می‌تواند مبنای مفهوم‌شناسی مفاهیم روان‌شناختی در میان متون دینی قرار گیرد؛ چراکه لنگاکر^۳

۱. معناشناسی شناختی یکی از انواع مختلف معناشناسی است که می‌توان در تحلیل آیات قرآن آن را به کار برد. معناشناسی شناختی تلاش برای دست‌یافتن به نقشه شناختی قرآن کریم است که ساختار اطلاعاتی پایه برای تعبیر قرآنی را بررسی می‌کند و هدف آن نشان‌دادن چگونگی مفهوم‌سازی قرآن در توصیف موقعیت‌های مختلف است. اساس این نظریه مبتنی بر زبان‌شناسی شناختی است که به نظر هیچ مشکل فلسفی از قبیل نسبی‌گرایی به دنبال ندارد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۳-۲۹).

2. language semantics
3. Langacker, W. R.

(۲۰۰۲) این را به عنوان یک اصل مطرح می‌کند که «معنا، همان مفهوم‌سازی است» و معناشناسی زبانی باید درصدد تحلیل ساختاری و توصیف مفاهیم باشد.

یکی از نظریه‌های مرتبط با دانش معناشناسی زبانی که زمینه مناسبی را برای مفهوم‌شناسی یا مفهوم‌سازی فراهم می‌کند، نظریه حوزه‌های معنایی^۱ است. این نظریه طرحی انسجام‌یافته از نظام مفاهیم واژگانی زبان است که تریر^۲ (۱۹۳۱، ۱۹۳۴) و وایزگربر^۳ (۱۹۵۴) عرضه کردند و پس از آن محل توجه زبان‌شناسان دیگر قرار گرفت (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳). اساس نگرش حوزه‌های معنایی بر این پایه استوار است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه شود. نظریه حوزه‌های معنایی بر پایه یک سری اصول تبعی مربوط به معناشناسی زبانی مبتنی است. یکی از این اصول تحلیل مؤلفه‌ای^۴ است. تحلیل مؤلفه‌ای در زبان‌شناسی به بررسی ارتباط بین واژه‌ها از طریق مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد (صفوی، ۱۳۸۴، به نقل از: شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳). بر این اساس، فهم معنای هر ویژگی روان‌شناختی و آگاهی از اینکه چه ویژگی‌هایی در تقابل با یکدیگرند، از طریق تحلیل مؤلفه‌ای امکان‌پذیر است. هدف تحلیل مؤلفه‌ای در مفاهیم روان‌شناختی تشریح ویژگی‌ها است که در ضمن، مسیری برای دستیابی به عناصر تشکیل‌دهنده آن است. استفاده از این روش در فهم معانی صفات و ویژگی‌های روان‌شناختی می‌تواند کاربرد داشته باشد. پژوهش حاضر مفهوم‌شناسی در مفاهیم دینی با رویکرد روان‌شناختی را در دانش «معناشناسی زبانی» با توجه به نظریه «حوزه‌های معنایی» و مبتنی بر اصل «تحلیل مؤلفه‌ای» پی‌گیری می‌کند.

۳. مفهوم‌شناسی، مفهوم و سازه

مفهوم^۵ در دیدگاه‌های مختلف تعریف متفاوت دارد، و البته این تعریف‌ها هم‌جهت‌اند. در دیدگاهی زبان‌شناختی، مفهوم، قصد یا معنای متن یا افعال فردی و اجتماعی فرد است که در چارچوب زبان معنا دارد (علی‌پور و حسنی، ۱۳۹۰، ص ۳۳). در دیدگاهی تجربی، مفهوم تجریدی از رویدادهای مشهود است که معرف شباهت‌ها یا جنبه‌های مشترک میان آن رویدادها است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۳۹).

1. semantic fields

2. Trier, J.

3. Weisgerber, L.

4. componential analysis

5. concept

این تعریف‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم، جنبه بازنمایی از واقعیتی خارج از خود دارند و نمایانندهٔ یک سری معانی محل اتفاق هستند که به واژه مد نظر نسبت می‌دهیم (بابی، ۲۰۱۱، ص ۱۳۱). واژهٔ منسوب به یک مفهوم می‌تواند شامل یک کلمه یا ترکیبی از چند کلمه باشد؛ مانند «رضایت» در برابر «رضایت از زندگی» یا «رضایت زناشویی». در هر صورت، این معانی شامل موضوعات، رویدادها و ویژگی‌هایی (مانند صبر، صداقت، رضایت از زندگی، پیاده‌روی، آبی یا سریع) هستند که در دنیای بیرون از ذهن واقعیت دارند (واندن بوس، ۲۰۱۵، ص ۲۲۷). اما گاه لازم است موضوعات، رویدادها و ویژگی‌ها با نامشان توصیف و از هم تفکیک شوند، نه با عناصر واقعی و تجربی. در این صورت از تعریف اسمی^۱ برای توصیف آن استفاده کرده‌ایم. توصیف و نسبت‌دادن معانی به یک واژه بدون اینکه ناظر به جزئیات «عینی» باشد تعریف اسمی نامیده می‌شود (بابی، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، تعیین عناصر معنایی یک مفهوم در گسترهٔ تعریف اسمی قرار دارد. مثلاً مفهوم «رضایت از زندگی» در تعریفی اسمی یعنی ارزیابی شناختی فرد از زندگی خویش که مبتنی بر ملاک‌ها و معیارهای خودانتخاب‌کرده انجام می‌شود (گیلمن،^۲ هوبنر^۳ و باکمن،^۴ ۲۰۰۹، ص ۵۸۲).

اما هنگامی که بین چند شیء، رویداد یا ویژگی خارجی رابطه‌ای برقرار می‌کنیم یک «سازه»^۵ را استنباط کرده‌ایم. از این جهت، «سازه» را می‌توان به عنوان معادل تقریبی «مفهوم» به کار برد (پورافکاری، ۱۳۹۲، ص ۳۱۷). برخلاف «مفهوم»، عناصر «سازه» ابداعات نظری ما هستند که با مشاهدات مرتبط‌اند اما خودشان مستقیم یا غیرمستقیم مشاهده نمی‌شوند (بابی، ۲۰۱۱، ص ۱۳۳). مفاد پرسش‌نامه‌ها از جمله عناصر سازه‌ای هستند که پرسش‌نامه برای سنجش آن ساخته شده است. گاه فرآیندی در حال حاضر مشاهده‌پذیر و از نظر عینی سنجش‌پذیر نیست، اما چنین فرض می‌شود که پدیده‌ای سنجش‌پذیر را به وجود می‌آورد. در این صورت معمولاً از اصطلاح «سازهٔ فرضی» استفاده می‌شود. از این لحاظ ایگو (= من در نظریهٔ روان‌تحلیل‌گری) را می‌توان سازه‌ای فرضی تلقی کرد (پورافکاری، ۱۳۹۲، ص ۳۱۸). برای تعریف سازه از تعریف عملیاتی^۶ استفاده می‌شود که شامل

1. nominal definition
2. Gilman, R.
3. Huebnerb, S.
4. Buckmana, M.
5. construct
6. operational definition

مشخص کردن نشانگرهایی است که به واسطه آن می‌توان مفهوم را اندازه‌گیری کرد (بایی، ۲۰۱۱). از این‌رو نتیجه تعریف عملیاتی مشخص شدن سازه است. مثلاً رضایت از زندگی را با نمراتی که فرد در مقیاس رضایت از زندگی^۱ (داینر،^۲ امانز،^۳ لارسن،^۴ گریفین،^۵ ۱۹۸۵) به دست می‌آورد تعریف عملیاتی می‌کنند. در هر صورت، محصول مفهوم‌شناسی، چه در فرآیند بازشناسی مفهوم و چه در فرآیند کاربرد مجدد مفهوم در قلمروی خاصی از علم، ساختار اطلاعاتی مفهوم است.

۴. مؤلفه‌های مفهومی و نشانگرهای روان‌شناختی

مفهوم‌سازی با مشخص شدن یک یا چند نشانگر^۶ از آنچه در ذهن محقق وجود دارد انجام می‌شود. نشانگرها از حضور مفهومی حکایت می‌کند که محقق سرگرم مطالعه و بررسی آن است (بایی، ۲۰۱۱، ص ۱۳۵). اما مفهوم‌شناسی در گستره مفاهیم اسلامی - روان‌شناختی شامل مشخص کردن مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مفهومی^۷ است که از بودن یا نبودن مفهوم خاصی حکایت می‌کنند. این مؤلفه‌ها خود به نشانگرهای رفتاری یک سازه روان‌شناختی اشاره دارند؛ سازه‌ای که مفهوم از آن حکایت می‌کند. مثلاً «احسان‌مندی بین‌فردی» در نظام روان‌شناختی یک سازه دارد که در گستره زبان، مفهوم احسان از آن حکایت می‌کند. طبق منابع مفهوم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۹۲؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۶۹؛ بن‌حمید و دیگران، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۷-۸۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۱۹-۱۳۰) مفهوم «احسان بین‌فردی» مؤلفه‌های مشخصی دارد. این مؤلفه‌های مفهومی به موضوعات مشاهده‌پذیر و مشاهده‌ناپذیری اشاره دارند که احتمالاً وجوه مشترکی دارند و واژه «احسان بین‌فردی» عنوان جامعی برای این موضوعات است. در نهایت، این موضوعات متمایزکننده افراد احسان‌مند است. بر این اساس، می‌توانیم مؤلفه‌های مفهومی و نشانگرهای روان‌شناختی احسان بین‌فردی را در جدول زیر متمایز کنیم:

1. Satisfaction with Life Scale (SWLS)
2. Diener, E.
3. Emmons, R. A.
4. Larsen, R. J.
5. Griffin, S.
6. indicator
7. conceptual components

جدول ۱: تمایز مؤلفه‌های مفهومی و نشانگرهای روان‌شناختی «احسان بین‌فردی»

| مؤلفه‌های مفهومی | نشانگرهای روان‌شناختی |
|---------------------|---|
| میل به نفع‌رسانی | فرد احسان‌مند تمایل دارد در هر موقعیت ممکن به دیگران نفعی برساند. |
| نداشتن انتظار جبران | در انجام‌دادن کار خوب و نفع‌رسانی به دیگران انتظاری برای جبران ندارد. |
| نداشتن انتظار تمجید | پس از نفع‌رسانی به کسی منتظر تمجید شدن از جانب دیگران نیست. |
| تواضع در عمل | در سودرسانی به دیگران رفتارهای متواضعانه دارد. |

اگر بخواهیم چنین افرادی را توصیف کنیم ابتدا باید فهرستی از این رفتارها داشته باشیم. در مرحله بعد که خصیصه اصلی و مشترک در این رفتارها خود را نشان داد، می‌توانیم برای آن واژه‌ای را با عنوان «احسان» به کار ببریم. واژه «احسان» در تاریخچه خود به همین صورت هر روزه به کار رفته تا استعمال‌کنندگان خاص و عام این مفهوم را پذیرفته‌اند. اما در مفهوم‌شناسی «احسان» مؤلفه‌های مفهومی آن استخراج می‌شود. در حقیقت، مؤلفه‌های مفهومی به منظور عملیاتی‌سازی، در قالب توصیف‌کننده‌هایی برای موضوعات، رویدادها و ویژگی‌های رفتاری بیان می‌شوند. اگر نشانگرهای مختلف و متعدد همگی به یک مفهوم اشاره داشته باشند، آنگاه مجموعه این نشانگرها همان چیزی را نشان می‌دهند که مفهوم، به طور کلی حاکی از آن است. به عبارت دیگر، هر یک از نشانگرها جزئی از تمامیت یک مفهوم را به عهده دارد.

۵. ابعاد مفهوم و عوامل تحلیل‌ساز

مفاهیمی مانند «رضایت»، «شادکامی»، «سلامت» و ... را در نظر بگیرید. تا زمانی که ندانیم دقیقاً این مفاهیم به چه ابعادی در انسان اشاره دارند، بسیار سخت است به حوزه‌ای از علم که درباره آنها صحبت کرده است وارد شویم. این مفاهیم به حالت‌هایی در انسان اشاره دارند که بررسی آنها، گاه در گستره سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد؛ گاه به ضعف، شدت، پایداری و ناپایداری، گاه به عوامل همبسته با این حالات و گاه جنبه‌های خاصی از آنها برمی‌گردد. همگی اینها در شناخت چیرستی مفهوم می‌گنجد. جنبه‌های خاصی از یک مفهوم که تعدادی نشانگر هم‌سو را در بر دارد ابعاد^۱ آن مفهوم نامیده می‌شود (بای، ۲۰۱۱). مفاهیم پیچیده معمولاً دارای نشانگرها و ابعاد متعدد هستند.

مثلاً مفهوم «لذت‌بری سعادت‌نگر» که بر آگاهی عمیق و گرایش به لذت‌های عالی و پایدار با

1. dimensions

هدفمندی توحیدی دلالت دارد، دارای پنج بُعد است: تعالی جویی در لذت‌ها، هدفمندی در لذت جویی، میانه‌روی در لذت‌بری، عاقبت‌اندیشی در لذت جویی و مهارگری در لذت‌بری (عباسی، ۱۳۹۰). همگی این ابعاد جنبه‌های خاصی از مفهوم لذت‌بری سعادت‌نگر را بیان می‌کنند و به جنبه‌های خاصی از سازه مد نظر در نظام روانی فرد اشاره دارند. البته ممکن است هر یک از این ابعاد پس از ساخت مقیاس و تحلیل آماری به عنوان مؤلفه‌ها^۱ یا عوامل^۲ سازه لذت‌بری سعادت‌نگر مطرح شوند؛ چراکه در این صورت مفهوم لذت‌بری سعادت‌نگر در یک مقیاس عملیاتی شده است و به‌علاوه، پنج بُعد مفهومی لذت‌بری سعادت‌نگر در تحلیل عاملی^۳ باز یافت شده‌اند.

۶. مؤلفه‌های مفهومی و ابعاد روان‌شناختی

هنگامی که با مفهومی در حوزه روان‌شناسی سر و کار داریم، مفهوم‌شناسی ایجاد می‌کند که نسبت مؤلفه‌های آن مفهوم را با نظام روان‌شناختی مشخص کنیم. مثلاً مفاهیمی مانند «رضایت»، «آرامش»، «تواضع»، «حیا»، «سلامت» و... به حالت‌هایی در انسان اشاره دارند که بررسی آنها گاه در گستره جهت‌گیری‌های روانی قرار می‌گیرد و گاه به عنوان صفت یا منش در خور بررسی‌اند. گاهی اوقات نیز این مفاهیم به عوامل همبسته و نه مرکزی تعریف می‌شوند. اینها از جمله دشواری‌هایی است که در فرآیند شناخت مفاهیم روان‌شناختی به واسطه طبقه‌بندی تحلیل^۴ مؤلفه‌های مفهوم حل‌شدنی است. هوتا^۵ و واترمن^۶ (۲۰۱۳) برای حل این مشکل پیشنهاد می‌کنند طبقه تحلیل درباره مفاهیم مشخص شود؛ یعنی تشخیص اینکه تعریف روان‌شناختی از هر مفهوم در کدام یک از طبقات زیر دقیق‌تر انجام می‌شود. این طبقه‌بندی عبارت است از:

- جهت‌گیری‌ها شامل ارزش‌ها، انگیزه‌ها و اهداف که با چرایی رفتار مرتبط‌اند؛
- رفتارها از جهت محتوای رفتاری و ویژگی‌های عمل که به نوع رفتار مربوط‌اند؛
- تجربه‌ها شامل تجربه‌های درونی، هیجان‌ها، ارزیابی‌های شناختی؛
- کارکردها مانند شاخص‌های کارکرد مثبت روان‌شناختی، سلامت روانی و بالندگی.

1. component
2. factors
3. factor analysis
4. category of analysis
5. Huta, V.
6. Waterman, A. S.

در حقیقت، همگی اینها در شناخت جنبه‌های روان‌شناختی هر مفهوم قرار دارند که تعدادی نشانگر هم‌سورا در بر می‌گیرد. این جنبه‌ها همان ابعاد روان‌شناختی مفهوم^۱ هستند (بایی، ۲۰۱۱). معمولاً مفاهیم پیچیده دارای نشانگرها و ابعاد متعددند. بنابراین، می‌توانیم ابعاد روان‌شناختی هر مفهوم را بر اساس ایده طبقه‌بندی تحلیل مشخص کنیم؛ به این صورت که تشخیص دهیم هر یک از مؤلفه‌ها به کدام یک از طبقه‌های تحلیل مربوطاند. در اینجا، بر اساس ایده طبقه‌بندی تحلیل، ابعاد روان‌شناختی که می‌تواند ملاک طبقه‌بندی مؤلفه‌های مفهومی قرار گیرد، معرفی می‌شود.

الف. جهت‌گیری‌ها

جهت‌گیری در حیطه‌های مختلف علم روان‌شناسی تعریف متفاوت دارد. مرتبط با بحث ما، جهت‌گیری به معنای رویکرد، مرام یا دیدگاه کلی فرد درباره موضوع است (واندن‌بوس، ۲۰۱۵، ص ۷۴۵). آنچه در جهت‌گیری نمایان است موضوعی است که ارزش‌ها،^۲ اهداف^۳ و انگیزه‌ها^۴ را به خود معطوف می‌کند و در حقیقت، جهت‌گیری فرد مشخص می‌شود. ارزش‌ها، اهدافی که فرد انتخاب می‌کند و انگیزه‌های وی، جهت‌گیری او را تعیین می‌کنند و از این‌رو می‌توان به جهت‌گیری‌های مرتبط با «چرایی» رفتار توجه کرد. این عناصر اغلب به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار در نظر گرفته می‌شوند. از نظر مفهومی، جهت‌گیری‌ها به طور ذهنی و درونی تجربه می‌شوند و فرد بدانها متمایل می‌شود (هوتا و واترمن، ۲۰۱۳).

«ارزش‌ها» شامل اصول اخلاقی، اجتماعی یا زیباشناختی هستند که فرد یا جامعه آنها را قبول دارند و رهنمودی به سوی آنچه خوب، مطلوب و مهم است، محسوب می‌شوند (واندن‌بوس، ۲۰۱۵، ص ۱۱۲۹). ارزش‌ها به ملاک‌هایی مربوط است که شخص برای تصمیم‌گیری بدان توجه دارد؛ تصمیم‌گیری برای اینکه آیا فلان عمل ارزش انجام‌دادن دارد یا خیر. مثلاً درباره مؤلفه‌های حیا می‌توان گفت «حرمت و کرامت ناظر» با ارزش‌های فردی ارتباط دارد؛ چراکه فرد باحیا، حفظ این کرامت را به عنوان اصول اخلاقی خویش پذیرفته است. «اهداف» نتایج خاصی هستند که شخص امید دارد از مسیر رفتارهایی که به طور فعال پیگیری می‌کند، بدان برسد (هوتا و واترمن، ۲۰۱۳). «انگیزه‌ها» نیز شامل

1. conceptual dimensions
2. values
3. goals
4. motives

دلایل شخصی اند که افراد برای علت رفتارشان بیان می‌کنند (واندن بوس، ۲۰۱۵، ص ۶۷۱). ترس از سرزنش مردم و مواجهه با نقصان، حشمت طرف مقابل، حضور ناظر محترم، نظارت ادراک‌شده و کرامت ادراک‌شده از جمله عناصر مفهوم حیا هستند که با انگیزه حیا مرتبط‌اند.

ب. ویژگی‌های رفتاری

محتوا و گونه رفتار از جمله ویژگی‌های رفتاری به شمار می‌آیند. این طبقه به جای «چرایی»، به ماهیت یا «چیستی» رفتار توجه می‌کند. طبق نظر هوتا و واترمن (۲۰۱۳)، طبقه ویژگی‌های رفتاری شامل محتوای رفتار (مانند دست‌کشیدن از عملی نامطلوب یا اقدام‌کردن) و خصیصه‌های عمل (مثلاً چگونگی اجتناب یا مقدار مهارتی که شخص می‌تواند در روابط میان‌فردی نشان دهد) است. از نظر مفهومی، عناصر این طبقه در دامنه‌ای از امور ذهنی و درونی (مانند میزان ارزش‌مداری شخصی به یک عمل) تا کاملاً عینی (مانند مقدار مهارتی که شخص برای فعالیتی خاص نشان می‌دهد) قرار دارند.

ج. تجربه‌های درونی

این طبقه از تحلیل مفهوم، مبتنی بر تجربه‌های درونی شامل هیجان‌ها، عواطف و ارزیابی‌های شناختی عاطفی است. از نظر مفهومی، این طبقه تا حد بسیاری ذهنی است (هوتا و واترمن، ۲۰۱۳). در مفهوم «حیا» عناصری همچون انقباض، تغییر، انزوا، انکسار، انحصار نفس و ترس از آنچه مذموم و عیب است را می‌توان در طبقه تجربه‌های درونی قرار داد.

د. کارکردهای روان‌شناختی

این طبقه از تحلیل بر روش‌های رفتار، تفکر و کارکردی تأکید دارد که مؤلفه‌های هر مفهوم می‌تواند از آنها حکایت کند. نشانه‌های عملکرد مثبت روان‌شناختی، سلامت روانی و بالندگی از جمله این مؤلفه‌های مهم برای مفهوم هستند (همان) که می‌توانند در مفاهیم به‌کاررفته در ادبیات دینی نیز محل توجه قرار گیرند. مثلاً مهارگری شامل دو وضعیت روی‌آوری و بازداری رفتاری به عنوان کارکرد روان‌شناختی برای مفهوم «حیا» است. مؤلفه‌هایی از این قبیل، اغلب در فرآیندی روان‌شناختی و پس از یک دوره زمانی در خور توجه به دست می‌آیند، و بنابراین اغلب به عنوان نتایج آن فرآیند قلمداد می‌شوند.



۷. مراحل مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی فرآیندی غیر از فهم تک‌واژه است. در فهم معنای هر واژه، به دنبال شناخت چیزی هستیم که جزء موضوعات روان‌شناختی به‌کاررفته در منابع دینی نیست. در حالی که مفهوم‌شناسی عملیاتی است برای بررسی مفاهیمی که در گسترهٔ مثلاً علم روان‌شناسی هستند و در ادبیات دینی نیز شکل یافته یا به کار رفته‌اند. این مفاهیم می‌توانند عنوان عامی برای یک سرفصل از معارف دین باشند که آیات قرآن و احادیث متعددی، بیانگر جنبه‌های مختلف آن هستند؛ مانند: تقوا، حیا، خوف، صبر، عفت، سعادت، رضایت و... از این‌رو فهم معنای ساده از هر واژه جای مفهوم‌شناسی را نمی‌گیرد. فهم عمیق از ساختار اطلاعاتی هر مفهوم در منابع دینی طی فرآیندهایی انجام می‌شود که در دو مرحلهٔ کلان قابل تنظیم است:

مرحلهٔ اول: جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی

مرحلهٔ دوم: تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های مفهومی

آنچه در ادامه می‌آید فرآیندهای عملیاتی مفهوم‌پژوهی است که در این دو مرحلهٔ کلان تنظیم شده است. اما زمانی می‌توان گفت ساختار اطلاعاتی هر مفهوم دینی از دیدگاهی روان‌شناختی بررسی شده که تمامی فرآیندها در این دو مرحله با توجه به «ابعاد روان‌شناختی مؤلفه‌ها» به نتیجه برسد. از این‌رو نتیجه‌گیری جمع‌بندی مثال‌ها در این مقاله نیز بر اساس ابعاد روان‌شناختی عرضه‌شده در بخش قبل انجام شده است.

مرحلهٔ اول: جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی

فهم عمیق هر مفهوم مبتنی بر استخراج مؤلفه‌های مفهومی آن است. بخشی از این مؤلفه‌ها شامل «عناصر معنایی»^۱ مفهوم است و بخشی دیگر شامل ویژگی‌هایی است که در ادبیات متون دینی شرط تحقق مفهوم است که آنها را «عناصر ادبیاتی»^۲ مفهوم می‌نامیم. مثلاً «سودرسانی» و «نداشتن انتظار جبران» عناصر معنایی «احسان» محسوب می‌شوند اما در ادبیات اسلامی وقتی احسان بین فردی تمام است که فرد احسان‌کننده «رفتار متواضعانه» داشته باشد. از این‌رو تواضع را عنصر تحقق مفهوم احسان بین فردی در ادبیات اسلامی می‌دانیم. به‌طور کلی، مفهوم‌شناسی فرآیندی برای استخراج مجموعهٔ این عناصر و سپس طبقه‌بندی و تحلیل آن در مؤلفه‌های مفهومی

1. semantic elements

2. literary elements

است که این بخش در دو مرحله «مفهوم‌پژوهی واژگانی» و «مفهوم‌پژوهی در متون دینی» انجام می‌شود.

۱. مفهوم‌پژوهی واژگانی

نخستین گام در شناخت هر مفهوم، بررسی واژه مد نظر است. این کار اقداماتی نیاز دارد که در ادامه بیان می‌شود.

الف. عناصر معنایی در گوهر معنا

عناصر معنایی اولی و اصیل در گوهر معنا یافت می‌شوند. یافتن گوهر معنا موجب می‌شود کاربردهای نزدیک و دور آن مفهوم متمایز شود. مثلاً «کافر» معانی متعددی دارد. معنای مشهور آن «بی‌ایمان» است. کفر به معنای تاریکی شب، کوه بزرگ یا گردنه و قلّه کوه آمده است. درباره قیصری که با آن کشتی را عایق می‌کنند به کار رفته است. کفران نعمت نیز به معنای قدرناشناسی و ناسپاسی است (نک: ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷). اما ابن فارس (۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۱) همه این معانی را به یک عنصر، یعنی «پوشاندن»، برمی‌گرداند. روح معنا که در تمام استعمالات متفاوت با ریشه «کفر» جاری است، پوشاندن و محوکردن است. بدین صورت یافتن عنصر معنایی هر واژه در متون دینی، پژوهشگر را به کاربرد چنین شیوه اجتهادی سوق می‌دهد. پس لازم است پژوهشگر برای کشف معنای اصلی با همه حدود و مرزهای آن، خود مستقیماً به منابع در دسترس مراجعه کند و در پی کوششی فراگیر به معنای اصلی برسد (طباطبایی، ۱۳۹۰). کشف گوهر معنایی هر واژه در این مرحله به واسطه شناسایی و جمع‌آوری تعریف‌های لغت‌شناسان انجام می‌شود. در این بررسی، به هدف استخراج عناصر معنایی، دیدگاه‌های مختلف بررسی، و این عناصر جمع‌آوری می‌شوند. اقداماتی که در ادامه معرفی می‌شود عملیات کشف عناصر معنایی را در دیدگاه لغت‌شناسان شامل می‌شود.

یک. جمع‌آوری تعاریف واژگانی

در این بخش، دیدگاه‌های متفاوت لغت‌شناسان جمع‌آوری می‌شود که به کشف جنبه‌های بیشتری کمک کند. هر مفهوم، معمولاً ابعاد متفاوتی دارد. لذا ممکن است هر یک از لغت‌شناسان به یک بُعد پرداخته باشند یا به آن بیشتر توجه کرده و نکات بیشتری درباره آن بیان کرده باشند. از باب نمونه، خانواده تعریف‌های لغوی درباره مفهوم «حیا» را آورده‌ایم:

ابن فارس (۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۲) «حیا» را به ضد آن، یعنی «وقاحه»، تعریف کرده است.^۱
فیومی (۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۶۰) «حیا» را به انقباض و انزوا تعریف کرده است و آن را نامی برای دُبر هر مؤنثی می‌داند.^۲

طریحی (۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۱۳) می‌گوید «حیا» عبارت است از دگرگونی حال و انکساری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می‌شود، حاصل می‌گردد.^۳ همچنین، وی «استحیاء» را به معنای انقباض (گرفتگی) و انزوا (دوری‌گزینی) از کار زشت، به جهت ترس از مذمت مردم می‌داند.^۴
ابن اثیر جزری (۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۷۲) «حیا» را در تفسیر حدیث «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ»، عامل بازدارندگی و بُریدن از معصیت (انقطاع) معرفی می‌کند. «حشمت» و «حیا» را برابر می‌داند و «احتشام» را به «انقباض» تفسیر می‌کند و نیز «حشمت» را به «وقایه» و «خودنگه‌داری» معنا کرده است (همان، ج ۱، ص ۳۹۱). همین مطلب را زبیدی (۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۳۶۰) نیز بیان کرده است.

ابن منظور (۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۹۱) «حیا» و «حشمت» را مترادف دانسته (همچنین فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۷ و ۳۵۰؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۳۵۹؛ ابن‌سیده، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۹) و در معنای «حیا» و «حشمت» به «انقباض» اشاره می‌کند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۳۵). وی همچنین در تفسیر حدیث «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ»، حیا را عامل بازدارندگی و بُریدن از معصیت (انقطاع) معرفی می‌کند (همان، ج ۱۴، ص ۲۱۷).

دو. طبقه‌بندی عناصر معنایی

پس از جمع‌آوری دیدگاه لغت‌شناسان، اولین مرحله تجزیه و تحلیل در فرآیند مفهوم‌شناسی ممکن می‌شود. تجزیه و تحلیل در این مرحله شامل طبقه‌بندی عناصر معنایی در لغت است. نتیجه این طبقه‌بندی فهم منسجم از عناصر اصلی معنا در مفهوم و بررسی جنبه‌های مختلف آنها است. در این بررسی، چند کار صورت می‌گیرد: ۱. مشخص شدن عناصر اصلی هر تعریف؛ ۲. جمع‌آوری مصادیق متفاوت یک واژه و مشخص شدن جنبه مشترک همه آنها که نتیجه این دو کار این است که گوهر معنا به دست می‌آید و از دیدگاه هر لغت‌شناس تحلیل دقیقی حاصل می‌شود؛

۱. الحياء والياء والحرف المعتل أصلان: أحدهما خلاف الموث، والآخر الاستحياء الذي [هو] ضد الوقاحة.

۲. و (استحيا) منه و هو الانقباض والانزواء قال الأخفش يتعدى بنفسه وبالخرف فيقال (استحييت) منه و (استحييت) و فيه لغتان إحداهما لغة الحجاز و بها جاء القرآن بيايين والثانية لتميم بياء واحدة (و حياء الشاة) ممدود قال أبو زيد (الحياء) اسم للدبر من كل أنثى من الطلغ والخف وغير ذلك و قال الفارابي في باب (الفعال) (الحياء) فخرج الجارية والناقة.

۳. قال المفسر: الحياء تغير وانكسار يعترى الانسان من تخوف ما يعاب به و يذم.

۴. الاستحياء، و هو الانقباض والانزواء عن القبيح مخافة الذم.

۳. مشخص شدن دیدگاه هر لغت‌شناس که معمولاً در کار لغت‌شناسی به جمع‌آوری دیدگاه‌ها بسنده می‌شود. اما، لازم است مفهوم‌پژوه درباره هر عنصر معنایی نظر لغت‌شناس را به دست آورد و مشخص کند؛ ۴. بررسی و مقایسه دیدگاه‌های متفاوت لغت‌شناسان با یکدیگر و جمع‌بندی نتایج درباره عناصر معنایی مفهوم.

ب. عناصر معنایی در تعریف اصطلاحی

آگاهی از دیدگاه دانشمندان و صاحب‌نظران در علوم و گرایش‌های مرتبط از جمله روان‌شناسی مثبت‌نگر، اخلاق، فلسفه و حکمت، همچنین مفسران قرآن کریم و شارحان حدیث و روایت می‌تواند پیشینه مفیدی را در فرآیند مفهوم‌شناسی در اختیار قرار دهد؛ چه اینکه پژوهش‌ها و آثار این گروه از دانشمندان شامل تعریف‌ها و توصیف‌های متعددی از مفاهیم مختلف از جمله مفاهیم روان‌شناختی است.

اگرچه تا بدین جا، جمع‌بندی عناصر معنایی در میان تعاریف واژگانی کتب لغت توانسته تعریف مناسبی از مفهوم به دست دهد، مطابقت تعاریف صاحب‌نظران علوم مرتبط با تعریف ما از مفهوم، در حقیقت، شواهدی برای روایی استنباط ما محسوب می‌شود. گذشته از این فایده، دقت در تعاریف صاحب‌نظران می‌تواند عناصر معنایی مغفول را به تعریف ما اضافه کند که این موضوع اهمیت بسیار دارد. در این کار نیز برای جمع‌آوری دیدگاه صاحب‌نظران همان مراحلی که در لغت‌شناسی بود (شامل جمع‌آوری دیدگاه‌ها و طبقه‌بندی آنها) تکرار می‌شود.

مثلاً بر اساس تعریف‌های اصطلاحی درباره «حیا» (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۰؛ بن‌حمید و دیگران، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۷۹۶ و ۱۷۹۷) می‌توان گفت چند محور در این تعاریف وجود دارد:

۱. ویژگی و حالت روانی حیا با تعبیرهایی همچون «انقباض»، «تغییر»، «انکسار»، «انحصار» و «وقار» بیان شده است؛

۲. موضوع حیا فعل قبیح است؛ یعنی رفتاری که حیا در آن اتفاق می‌افتد؛

۳. علت و برانگیزاننده این حالت روانی چند گونه بیان شده است: ترس از سرزنش، مواجهه با نقص و حشمت طرف مقابل.

۴. درباره نتیجه حیا، برخی ترک‌کردن را و برخی جلوه‌های رفتاری مانند سر به زیر افکندن را

بیان کرده‌اند.

بنابراین، از دیدگاه این صاحب‌نظران می‌توان گفت حیا ویژگی روان‌شناختی است که در انجام‌دادن فعل قبیح، به علت مواجهه با نقص و عیب کار یا حشمت طرف مقابل یا ترس از سرزنش مردم، حالتی از گرفتگی و حصر و شکستگی روانی را موجب می‌شود. جمع‌بندی میان تعریف واژگانی «حیا» و تعریف اصطلاحی آن نشان می‌دهد که نکات مشترک بسیاری در این دو گروه تعریف وجود دارد، اگرچه بعضاً هر کدام نکات متمایزی را القا می‌کنند. جدول یک جمع‌بندی این دو دیدگاه را نشان می‌دهد.

جدول ۱: جمع‌بندی عناصر مفهوم «حیا» از دیدگاه لغت‌شناسان و متخصصان

| ویژگی‌ها | دیدگاه لغت‌شناسان | دیدگاه متخصصان |
|------------|-------------------------------------|---|
| حالت روانی | رقت وجه انقباض (گرفتگی) نفس | انقباض نفس تغیّر نفس انکسار نفس انحصار نفس وقار فعل قبیح |
| موضوع | فعل قبیح، وقاحه | |
| کارکرد | بازداری | بازداری و روی‌آوری |
| منشأ و علت | ترس از آنچه عیب است ترس از سرزنش | ترس از سرزنش مردم مواجهه با نقصان حشمت طرف مقابل |

این دو دیدگاه در بیان ویژگی‌های حالت روانی، موضوع و کارکرد حیا تقریباً با هم مشترک‌اند. اما علت و برانگیزاننده حیا، فقط در تعریف‌های اصطلاحی بحث شده است.

۲. مفهوم پژوهی در متون دینی

ادبیات دینی برای هر مفهوم، تعریف مشخصی دارد که ممکن است با تعریف واژه، مطابق باشد یا نباشد. از این‌رو لازم است تعریف ادبیات دین از مفهوم بررسی شود. یافتن تعریف دین، از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل مفهوم‌شناسی است. در این مرحله، نتیجه به‌دست‌آمده از مرحله مفهوم‌پژوهی واژگانی، به ادبیات متون دینی عرضه می‌شود. هدف از این عرضه دو چیز است: ۱. سنجش روایی محتوای تعریف واژگانی و اصطلاحی بر اساس ادبیات متون دینی که به واسطه

میزان هماهنگی تعریف به دست آمده با ادبیات متون دینی مشخص می‌شود. در این صورت، دو حالت متصور است. اگر عناصر معنایی مفهوم، حاصل از بررسی‌های واژگانی و اصطلاحی، با ادبیات متون دینی هماهنگ باشد، پژوهش مفهوم‌شناسی ما در مرحله تعریف واژگانی نسبت به ادبیات متون دینی از رویی برخوردار است. به علاوه، مراجعه به کتب لغت شروع تسهیل‌گری برای مراحل بعدی مفهوم‌شناسی است؛ چه اینکه بخش در خور توجهی از کتب لغت مناسب با این هدف (مانند فراهیدی، ۱۴۰۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ مدنی، ۱۳۸۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹؛ طریحی، ۱۳۶۷) با توجه به ادبیات اسلامی تدوین شده است. اما اگر میان این دو مرحله ناهمخوانی وجود داشته باشد، باید به دنبال راهی برای حل این ناهمخوانی یا تعارض باشیم؛ ۲. هدف دوم، استخراج ویژگی‌هایی در ادبیات متون دینی است که شرط تحقق مفهوم محسوب می‌شود و ما آنها را عناصر ادبیاتی مفهوم نامیدیم. چنانچه پیش از این یادآور شدیم، در پی آنیم که بدانیم مفهوم منتخب در منابع دینی از چه مؤلفه‌هایی برخوردار است.

الف. جمع‌آوری عناصر ادبیاتی در متون دینی

پیش از این بیان شد که، آنچه از تعریف واژگانی و اصطلاحی به دست می‌آید عناصر معنایی مفهوم است که برآیند این عناصر لزوماً مطابق با مقصد و نظر ادبیات دینی درباره آن مفهوم نیست. در نظر بگیرید می‌خواهیم مؤلفه‌های مفهومی «حزم» (= دوراندیشی) را استخراج کنیم. آنچه از تعریف واژگانی و اصطلاحی این مفهوم به دست می‌آید داشتن فکر انسجام‌یافته و استواری است که برای انسان اطمینان می‌آورد و موجب حفظ و صحت کارها می‌شود (از باب نمونه نک: فراهیدی، ۱۴۰۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴؛ طریحی، ۱۳۶۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴؛ جوهری، ۱۴۰۷). اما در ادبیات اسلامی، در صورتی انسان مفهوم «حزم و دوراندیشی» را به طور تمام درباره خود محقق می‌کند که مثلاً قبل از فرصت و اوضاع و احوال مناسب اقدام به کاری نکند و همچنین زمانی که فرصت و اوضاع و احوال مناسب بود در انجام دادن آن کار بی‌درنگ وارد شود. این مفاد حدیثی است که حضرت علی علیه السلام از فرزندش امام حسن علیه السلام درباره معنای «حزم» می‌پرسد. امام حسن علیه السلام پاسخ داد: «اینکه منتظر فرصت باشی و در اموری که برایت ممکن است شتاب کنی»^۱ (صدوق،

۱. الامام الحسن علیه السلام - فی أجوبته عن مسأل سألها عنها أمير المؤمنين علیه السلام - ... ما الحزم؟ قال: أن تنتظر فرصتك وتُعجل ما أمكنك.

۱۴۰۳، ص ۴۰۱). دو عنصر «انتظار فرصت» و «شتاب در امکان» را نه به دلیل تعریف واژگانی و اصطلاحی، بلکه بر اساس ویژگی‌هایی که در گزاره‌های دینی برای «حزم» لازم شمرده شده است به عنوان عناصر این مفهوم در ادبیات دینی قلمداد می‌کنیم.

شیوه‌ی بازیابی عناصر ادبیاتی مفاهیم در گزاره‌های دینی از منطق پیش‌گفته برای یافتن عناصر معنایی در کتب لغت و متون تخصصی پیروی می‌کند. از این‌رو جمع‌آوری گزاره‌های مفهوم‌شناختی در متون دینی و استنباط عناصر ادبیاتی دینی دو عملیاتی هستند که انتظار می‌رود مفهوم‌پژوه برای بازیابی عناصر تحقق مفهوم در ادبیات دینی پیگیری کند.

یک. جمع‌آوری گزاره‌های مفهوم‌شناختی

قدم نخست، تشکیل خانواده متونی است که در میان گزاره‌های دینی به مفهوم‌شناسی کمک می‌کند. هرچند خانواده متون یکی از اصول مهم در فهم حدیث است (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵) اما نوع آن به تناسب موضوع و هدف تحقیق متفاوت خواهد بود. خانواده متون در هر تحقیقی متناسب با موضوع و اهداف آن تشکیل می‌شود. در این بحث، باید خانواده متون با گرایش مفهوم‌شناسی تشکیل شود. متونی در این مجموعه قرار می‌گیرند که به نوعی در مفهوم‌شناسی مؤثرند، نه تمام متون مربوط به اصل موضوع. مثلاً در تحقیق از «حیا»، باید تمام متون مربوط به موضوع را جمع‌آوری کرد؛ اینجا خانواده متون یعنی تمام آیات و روایاتی که به نوعی با «حیا» مرتبط‌اند. اما برای شناخت مفهوم «حیا»، آن خانواده متون کارایی ندارد. زیرا ممکن است در بردارنده آیات و روایاتی باشد که ارتباطی با مفهوم‌شناسی ندارند. از این‌رو لازم است خانواده جدیدی با گرایش مفهوم‌شناسی تشکیل شود. این خانواده متون از مجموع آن آیات و روایات تشکیل می‌شود و اگر لازم باشد متون دیگری هم به آن افزوده می‌گردد. این مرحله نیازمند دقت و تأمل خاصی است. مجموعه روایات با گرایش مفهوم‌شناسی مطالعه می‌شوند و مواد لازم برای شناخت مفهوم به دست می‌آید. جست‌وجوی گزاره‌های مؤثر در مفهوم‌شناسی به چند صورت ممکن است: ۱. استفاده از معجم‌های لفظی که همانند کتب لغت، واژه‌های استفاده‌شده در متون دینی و مشتقات آنها را طبقه‌بندی کرده و آیات یا روایات را ذیل آن طبقه‌بندی‌ها آورده‌اند؛ ۲. استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای که می‌تواند جایگزین مناسبی برای معجم‌های لفظی باشد؛ ۳. مراجعه به تک‌نگاره‌ها و کتاب‌هایی که با استفاده از منابع دینی درباره مفهوم مد نظر نگاشته شده است.

دو. استنباط عناصر ادبیاتی مفهوم

پس از تشکیل خانواده متون، نوبت به استنباط و استخراج عناصر می‌رسد. استنباط یا استخراج عناصر ادبیاتی مفهوم به واسطه توجه به ویژگی‌هایی انجام می‌شود که در هر گزاره دینی ممکن، درباره شرایط تحقق مفهوم بیان شده است. از این‌رو نگاه به گزاره‌های دینی در این بررسی‌نگاهی با رویکرد مفهوم‌شناسی است تا امکان شناسایی و استخراج نکات مؤثر در شناخت مفهوم فراهم شود. در این بررسی دو کار صورت می‌گیرد:

۱. فهم عمیق و روان‌شناختی متون دینی که شامل بررسی ساختار گزاره است؛

۲. شناسایی و استخراج اطلاعاتی که به شرایط تحقق مفهوم مربوط‌اند. این اطلاعات، یا نکته‌ای است که معنا یا دست‌کم بخشی از آن را روشن می‌کند یا نتیجه‌ای است که از بررسی مصداق‌ها، کاربردها و اقسام به دست می‌آید. به‌ویژه در این نوع دوم، باید با بررسی مصداق‌ها و اقسام، «عنصر مشترک» جست‌وجو شود تا ریشه و ماهیت موضوع به دست آید.

از باب نمونه، شرایط تحقق «حیا» را در منابع اسلامی بر اساس مستندات موجود عرضه کرده‌ایم:

«حضور ناظر» بر اساس نقش مؤثر حضور ناظر محترم در برانگیختن حیا در روایات (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۱).

«نظارت ناظر» بر اساس نقش مهم عنصر نظارت در حیا در روایات (برای نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۴، ص ۱۲۵؛ کوفی، ۱۴۱۰، ص ۴۳۰).

«حرمت و جلال ناظر» بر اساس نقش حرمت، جلال و عظمت ناظر در برانگیخته‌شدن حیا (برای نمونه نک: ابن‌حیون، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۵۵؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۰).

موضوع (فعل قبیح) بر اساس بخشی از متون که موضوع حیا را بیان کرده‌اند (برای نمونه نک: مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۶۷؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۱۸۹؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۰۵).

بازداری و روی‌آوری بر اساس بخش دیگری از متون که از حیا به عنوان عاملی بازدارنده و ادارنده یاد شده است (برای نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۸۱؛ همان، ج ۹۴، ص ۱۵۷).

«خصیصه کرامت» بر اساس گروهی از گزاره‌های دینی که به کرامت نفس شخص باحیا و ثنات انسان بی‌حیا اشاره کرده‌اند (برای نمونه نک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۰۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۴۱؛

تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۰).



ب. طبقه‌بندی عناصر ادبیاتی

در مرحله استنباط عناصر ادبیاتی در متون دینی، یافته‌های پژوهش جمع‌آوری شده است. از آنجا که با عناصر متعددی مواجهیم طبقه‌بندی آنها کمک می‌کند ویژگی‌های استنباط‌شده بهتر شناخته شوند. از این‌رو این ویژگی‌ها بررسی، و موضوع آنها مشخص می‌شود. نتیجه این بررسی مشخص شدن یک یا چند عنصر محوری است که در تحقق مفهوم، نقش اساسی دارند و بقیه ذیل این عناصر قرار می‌گیرند و با آنها تفسیر می‌شوند. بدین ترتیب عناصر محوری مفهوم در ادبیات دینی به دست می‌آید. مثلاً عناصر مفهوم «حیا» را در ادبیات دینی می‌توانیم در چهار محور طبقه‌بندی کنیم: ۱. حضور و نظارت؛ ۲. کرامت؛ ۳. مهارگری خویشتن؛ ۴. موضوع (فعل قبیح).

مرحله دوم: تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های مفهومی

از نظر روش پژوهش، مؤلفه‌های مفهومی استخراج‌شده در دو گستره «تعریف واژگانی» و «تعریف ادبیات دینی» داده‌های^۱ پژوهش مفهوم‌شناسی محسوب می‌شود. این داده‌ها از اسناد و مدارک مشخص (شامل آیات قرآن، روایات و توصیف‌های کتب لغت) جمع‌آوری می‌شوند و نمایانگر عناصری هستند که ساختار اطلاعاتی مفهوم خاصی را بنا کرده‌اند. از آنجا که این داده‌ها به صورت واژه (و نه به صورت ارقام) به توصیف واقعیت می‌پردازند از نوع داده‌های کیفی هستند که از طریق مشاهده، مصاحبه، استخراج از اسناد و مدارک و امثال آن گردآوری می‌شود. تنظیم و تحلیل داده‌های کیفی مستلزم سه فعالیت است: الف. تلخیص داده‌ها؛^۲ ب. عرضه داده‌ها؛^۳ و ج. نتیجه‌گیری یا تأیید^۴ (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷). فرآیند مفهوم‌شناسی نیز، از سه فعالیت مربوط به تحلیل داده‌ها بی‌نیاز نیست. در تلخیص داده‌ها، مجموعه عناصر به دست آمده در دو گستره پیش‌گفته، متمرکز بر یک موضوع خلاصه می‌شوند. این عملیات را ذیل عنوان «مرکزی‌سازی»^۵ مؤلفه‌ها» بررسی می‌کنیم. در فعالیت دوم، تحلیل داده‌ها، خلاصه به دست آمده در مجموعه‌ای سازمان‌یافته ظاهر می‌شود که این کار با عنوان «نمایش و عرضه مؤلفه‌ها» مطرح می‌شود. در

-
1. data
 2. data reduction
 3. data display
 4. conclusion drawing / verification
 5. centralizing

نهایت، شواهدی باید این مجموعه سازمان یافته را تأیید کنند. این شواهد تأیید کارشناسان و متخصصان در دو حیطه علوم دینی و روان‌شناسی هستند که در عملیات «روایی‌سنجی مؤلفه‌ها» به دست می‌آید.

۱. تلخیص و مرکزی‌سازی مؤلفه‌ها

مرحله مرکزی‌سازی و تلخیص مؤلفه‌ها، جزئی از فرآیند تحلیل داده‌های پژوهش در مفهوم‌شناسی محسوب می‌شود. در این میان، یافته‌های دو مرحله «مفهوم‌پژوهشی واژگانی» و «مفهوم‌پژوهی در ادبیات دینی» همان داده‌های پژوهش ما هستند. تلخیص داده‌ها اولین عملیات تحلیل است. طبق نظر سرمد و همکارانش (۱۳۸۰، ص ۲۰۷ و ۲۰۸)، منظور از تلخیص داده‌ها انتخاب، تمرکز، تنظیم و تبدیل داده‌ها به صورتی خلاصه‌تر است. طبق این نظر، تلخیص داده‌های کیفی، مرحله‌ای از تحلیل داده‌ها است که به مرکزی‌سازی، تنظیم، پالودن و زدودن اضافات موجود در داده‌ها می‌پردازد تا بتوان آنها را به نظم درآورده و سازمان داد و نتیجه‌گیری نهایی را به عمل آورد. با توجه به این مطالب، برای تحلیل داده‌ها در میان عناصر به‌دست آمده از دو گونه مفهوم‌پژوهی، توجه به دو نکته ضروری است:

نکته اول؛ شرایط جمع‌بندی مؤلفه‌های مفهومی از دیدگاه‌های مختلف: به نظر ما، سند اساسی در تعریف مفهوم، تعریف برآمده از مفهوم‌پژوهی در متون دینی است. به این دلیل که مفاهیم دینی نیز در بستر مفهوم لغوی آن شکل می‌گیرد، یافته‌های دو گستره «مفهوم‌پژوهی واژگانی» و «مفهوم‌پژوهی در متون دینی» جمع‌بندی می‌شوند. فقط وقتی متون دینی برخی عناصر متفاوت با مفهوم را بیان کنند، نظر لغت در آن محدود پذیرفته نمی‌شود.

نکته دوم؛ توجه به عناصر هسته‌ای در تلخیص و مرکزی‌سازی مؤلفه‌ها: در این عملیات، توجه به عناصر هسته‌ای در برابر عناصر غیرهسته‌ای اهمیت دارد. به هر میزان تلخیص داده‌ها بر عناصر هسته‌ای مبتنی باشد مؤلفه‌های به‌دست آمده برای آن مفهوم رواتر خواهد بود. میزان هسته‌ای بودن هر مؤلفه به عناصر مشخصی وابسته است که در فهم دقیق و متمایزکننده از مفهوم کمک می‌کند (اقتباس از: هوتا و واترمن، ۲۰۱۳).

از باب نمونه، تحلیل مؤلفه‌های مفهوم «حیا» را پیگیری می‌کنیم. بدین منظور جمع‌بندی عناصر «حیا» از دیدگاه‌های سه‌گانه را انجام داده‌ایم که در جدول دو مشاهده می‌کنید.



جدول ۲: جمع‌بندی عناصر مفهوم «حیا» از دیدگاه لغت‌شناسان، متخصصان و ادبیات متون اسلامی

| ویژگی‌ها | دیدگاه لغت‌شناسان | دیدگاه متخصصان | دیدگاه متون اسلامی |
|------------|-------------------------------------|---|---|
| حالت روانی | رفت وجه انقباض (گرفتگی) نفس | انقباض نفس تغییر نفس انکسار نفس انحصار نفس وقار | ادراک حرمت تهدیدشده |
| موضوع | فعل قبیح، وقاحه | فعل قبیح | فعل قبیح |
| کارکرد | بازداری | بازداری و روی‌آوری | مهار نفس |
| منشأ و علت | ترس از آنچه عیب است ترس از سرزنش | ترس از سرزنش مردم مواجهه با نقصان حشمت طرف مقابل | حضور ناظر محترم نظارت ادراک‌شده کرامت ادراک‌شده |

جدول ۱ بیان‌کننده جمع‌بندی ساده‌ای درباره عناصر مفهوم «حیا» است. اما تلخیص و متمرکزسازی ایجاب می‌کند که مجموعه عناصر در طبقه حالت روانی، موضوع، کارکرد و علت حیا خلاصه شود و هر مجموعه تحت عنوان جامعی قرار گیرد. این عناوین حاکی از مؤلفه‌هایی هستند که مفهوم «حیا» را از دیگر مفاهیم متمایز می‌کنند؛ به عبارت دیگر، مؤلفه‌هایی هسته‌ای برای حیا محسوب می‌شوند. مطالبی که در پی می‌آید به این عملیات مهم درباره مفهوم «حیا» پرداخته است.

تلخیص و مرکزی‌سازی عناصر مفهوم «حیا» نشان می‌دهد که «حیا» شامل سه مؤلفه اصلی است و بقیه عناصر زیرمجموعه این سه عنوان قرار می‌گیرند (نک: جدول ۳):

یک. حرمت تهدیدشده: تمرکز چهار عنصر «قباحت و زشتی»، «نظارت»، «ناظر» و «کرامت/حرمت» در حیا بر مؤلفه‌ای با عنوان «حرمت تهدیدشده» است (پسندیده، ۱۳۸۴، ص ۵۰-۵۵).
دو. تأثر درونی: ادراک تهدید حرمت نزد دیگران، موجب تأثر درونی می‌شود. این تأثر فرد را دچار احساس ترس از دست دادن حرمت نزد دیگران می‌کند که منشأ تغییر و انکسار روانی است. سه. مهارگری خویشتن: پیامد تهدید حرمت خود و تأثر روانی به علت نظارت ناظری محترم، حالتی از بازداری یا روی‌آوری است که در عنوان «مهارگری خویشتن» متمرکز است (نک: عباسی، ۱۳۹۶). این حالت به فرد توان مقاومت در برابر وسوسه، تأخیر در ارضا، کنترل و تنظیم رفتار و مدیریت خود را می‌دهد و در نتیجه، از نابهنجاری دوری، و برای فعالیت بهنجار اقدام می‌کند

(پسنیده، ۱۳۸۴، ص ۳۷).

خلاصه سخن اینکه فرد باحیا، شخصیتی کریم و وجهی رقیق و حالتی باوقار دارد. لذا هنگام مواجهه با فعل قبیح، وقتی خود را در حضور ناظر محترمی می‌بیند، دچار ترس از آبرو می‌شود و روان او دگرگون شده (تغییر)، از حالت بسط و گشودگی، دچار قبض (انقباض) و احساس در تنگنا بودن (انحصار) می‌شود و حالتی از شکستگی روانی را در درون تجربه می‌کند. این حالت، وی را به مهارگری خویشتن واداشته و از امر قبیح منع می‌کند که نتیجه عملی آن، ترک کار ممنوع یا انجام دادن کار لازم است.

۲. نمایش و عرضه مؤلفه‌ها

فعالیت دوم در تحلیل داده‌ها، عرضه آنها است. منظور از عرضه داده‌ها، ظاهر ساختن مجموعه‌ای سازمان‌یافته از داده‌ها است، به طوری که به کمک آنها بتوان نتیجه‌گیری کرد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۰۹). فایده عرضه داده‌ها این است که پژوهشگر را یاری می‌دهد تا از طریق آن به ادراک جدید و دقیقی از داده‌ها برسد. طبق نظر میلز،^۱ هابرمن^۲ و سالدانیا^۳ (۲۰۱۴) تصمیم‌گیری درباره شیوه نمایش داده‌ها گام اول و مهم در این مرحله است. شکل نمایشی که انتخاب می‌کنیم همان نقشه دیداری تحلیل داده‌ها است. ترسیم ماتریس‌ها^۴ و شبکه‌ها^۵ از جمله مهم‌ترین شیوه عرضه سازمان‌یافته از داده‌ها است. با استفاده از این شیوه‌ها، داده‌ها به صورت اطلاعات سازمان‌یافته تنظیم می‌شود، به طوری که پژوهشگر با دست‌یابی به آنها می‌تواند با سهولت بیشتر به واقعیات حاصل از داده‌ها پی ببرد و نتیجه‌گیری‌های مستندی از آنها به عمل آورد؛ یا اینکه داده‌های بیشتری عرضه کند و نتیجه‌گیری نهایی را به دست دهد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۰۹ و ۲۱۰).

به نظر می‌رسد ترسیم ماتریس بهترین شکل سازمان‌دهی داده‌ها در تحلیل مؤلفه‌های مفهومی باشد. اما برای عرضه مؤلفه‌ها به صورت ماتریس، ابتدا باید درباره شکل ماتریس تصمیم‌گیری کرد. از جمله پرسش‌هایی که در تشکیل ماتریس داده‌های کیفی مطرح است آن است که: چه نوع

1. Miles, M. B.

2. Huberman, A. M.

3. Saldaña, J.

4. matrices

5. networks

سطر و چه نوع ستونی می‌توان در نظر گرفت؟ در این باره پیشنهادهای مختلفی وجود دارد (نک: میلز و دیگران، ۲۰۱۴). به نظر می‌رسد در تحلیل مؤلفه‌های مفهومی بهترین شکل ماتریس شامل سطرهایی است که نمایانگر مؤلفه‌های مفهومی است و ستون‌هایی که نمایانگر عناصر معنایی و عناصر ادبیاتی مربوط به مفهوم است. بر این اساس، نمایش داده‌های مربوط به مفهوم «حیا»، به شکلی که می‌بینید، در جدول ۳ تنظیم شده است.

جدول ۳: نمایش مؤلفه‌های مرکزی مفهوم «حیا»

| مؤلفه‌ها | عناصر | کلیدواژه‌های متون اسلامی |
|---------------|-----------------|--|
| حرمت تهدیدشده | قیح ادراک‌شده | فعل قبیح، وقاحه |
| | نظارت ادراک‌شده | حضور ناظر |
| | ناظر تکریم‌شده | ناظر محترم |
| | کرامت ادراک‌شده | حشمت ناظر |
| | | کرامت، لثامت |
| | | رقت وجه |
| | | وقار |
| | | بی‌میالیت در خصوص آنچه می‌گوید و آنچه درباره‌اش گفته می‌شود. |
| تأثر درونی | ترس | ترس از آنچه مذموم و عیب است. |
| | تغییر | انقباض، تغیر، انزوا، انکسار و انحصار نفس |
| خودمهارگری | بازداری | منع، ترک |
| | روی‌آوری | واداری |

بر اساس جدول ۳، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که تحقق مفهوم «حیا» به «حرمت تهدیدشده»، «تأثر درونی» و «خودمهارگری» وابسته است که بقیه عناصر ذیل این سه مؤلفه قرار می‌گیرند.

۳. تأیید مؤلفه‌ها و بررسی روایی محتوا

پس از آنکه مؤلفه‌های مفهوم مشخص و تحلیل شد باید شاخص‌ها و ملاک‌هایی را فراهم آوریم که هر کسی بتواند مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از فرآیند مفهوم‌شناسی را ارزیابی کند. لازم است نشان دهیم استخراج و استنباط ما از منابع مفهوم‌شناسی معتبر و مفید است. اعتبار و فایده به این معنا است که مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از متون دینی می‌توانند مفهوم مرتبط با آن را به شکل متمایزکننده نشان دهند. به دیگر سخن، بررسی کنیم که آیا طبق مستندات موجود، مؤلفه‌های استنباط‌شده برای مفهوم روا هستند یا نه.

اصطلاح «روایی» اساساً برای گونه خاصی از اعتبار ابزارهای سنجش به کار رفته است. روایی نشان می‌دهد که هر ابزار به چه میزان می‌تواند همان چیزی را بسنجد که برای آن طراحی شده است (شولتز،^۱ ویتنی^۲ و زیکار،^۳ ۲۰۱۴، ص ۸۳). سه گونه اصلی روایی آزمون‌ها عبارت‌اند از: روایی ملاک که مبتنی بر همبستگی آزمون با استاندارد پذیرفته شده است؛ روایی سازه که مبتنی بر متغیر مفهومی زیربنای آزمون است؛ و روایی محتوایی که مبتنی بر موضوعات تحت بررسی در آزمون است (واندن‌بوس، ۲۰۱۵، ص ۱۹۲). «روایی محتوایی»^۴ مشخص می‌کند که به چه میزان، ابزار، نمونه معرفی را از موضوعات یا رفتارهای تحت بررسی ارزیابی می‌کند (همان، ص ۲۴۲). پس از اینکه ابزار طراحی شد بررسی روایی محتوایی به واسطه واری منطقی و مستدل کارشناسان موضوع محل بحث^۵ انجام می‌شود (شولتز و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۸۳). از این رو این روش را روش قضاوتی^۶ نیز می‌خوانند. معمولاً روش قضاوتی برای داوری درباره روایی آزمون، روشی کیفی است، اما می‌توان آن را به کمیت تبدیل کرد.

در فرآیند استنباط مؤلفه‌های مفهومی از منابع مفهوم‌شناسی می‌کوشیم عناصر معنایی و ادبیاتی استخراج شده، نمونه کاملی از اطلاعات ساختاری مفهوم مد نظر باشد. این به معنای روایی مؤلفه‌ها برای مفهوم مد نظر است. روایی محتوایی مؤلفه‌ها به ما نشان می‌دهد به چه میزان استخراج و استنباط ما از منابع مفهوم‌شناسی معتبر و مفید است و به دیگر سخن، به چه میزان عناصر به دست آمده در مفهوم‌شناسی معرف کلیه عناصر ممکن است که می‌توانند از مفهوم مد نظر حکایت کنند.

الف. شیوه اجرا

برای ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌ها بر اساس مستندات عرضه شده از منابع مفهوم‌شناسی، درباره میزان مطابقت هر مؤلفه با مفهوم مد نظر یا میزان ضرورت هر مؤلفه برای آن مفهوم، از نظر کارشناسان موضوع استفاده می‌شود. بنا بر آنچه حاجی‌زاده و اصغری (۱۳۹۰) بیان کرده‌اند، به

1. Shultz, K. S.
2. Whitney, D. J.
3. Zickar, M. J.
4. content validity
5. subject matter experts
6. judgemental

منظور ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌های مفهومی دو روش کیفی و کمی در نظر گرفته می‌شود:

۱. در بررسی کیفی محتوا، پژوهشگر از کارشناسان درخواست می‌کند بازخورد لازم را درباره ارتباط و ضرورت مؤلفه‌ها با مفهوم بدهند تا اطلاعات اصلاح شود.
۲. در بررسی کمی محتوا، از کارشناسان داور خواسته می‌شود مؤلفه‌ها را ببینند، مستندات و استدلال محقق را بخوانند و آنها را با توجه به میزان دقتی که در حکایت از مفهوم دارند درجه‌بندی کنند. فرم مشخصات بهترین شکل برای جمع‌آوری دیدگاه‌های کارشناسان موضوع است. فرم مشخصات ابزاری است که در آن محتوای موضوع و ابعاد مختلف آن به خوبی منعکس می‌شود (سیف، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱). نمونه این فرم را در شکل ۱ مشاهده می‌کنید.

شکل ۱: فرم نظرخواهی کارشناسان موضوع محل بحث

| میزان ضرورت مؤلفه برای مفهوم با توجه به مستندات | | میزان ارتباط مؤلفه با مفهوم با توجه به مستندات | | | | | | مستندات | مؤلفه‌ها |
|---|--|---|--|--|--|--|--|--|----------|
| | | | | | | | | | |
| | | | | | | | | مستندات مفهوم پژوهی شامل تعریف لغوی، تعریف اصطلاحی و منابع دینی مرتبط با مؤلفه ۱ در اینجا آورده شود. | مؤلفه ۱ |
| | | | | | | | | مستندات مفهوم پژوهی شامل تعریف لغوی، تعریف اصطلاحی و منابع دینی مرتبط با مؤلفه ۲ در اینجا آورده شود. | مؤلفه ۲ |
| | | | | | | | | | ... |

طبق آنچه درباره بررسی روایی محتوای ابزارهای اندازه‌گیری بیان شده (نک: سیف، ۱۳۹۰)، لازم نیست داوران پُرشمار باشند، بلکه مهم این است که از حیطة اطلاعات علمی مد نظر آگاهی داشته

باشند و از این نظر نسبتاً در یک سطح قرار داشته باشند. طبق نظر لین^۱ (۱۹۸۶) به نقل از: پولیت^۲ و بک،^۳ (۲۰۰۶) کمترین تعداد کارشناسان باید سه نفر باشد و بیشتر از ده نفر نیز ضرورت ندارد.

ب. تجزیه و تحلیل داده‌ها

نظریاتی که کارشناسان موضوع محل بحث درباره هر تعداد از مؤلفه‌ها در فرم مشخصات مؤلفه‌ها درج کرده‌اند، داده‌هایی است که باید به روش کمی تجزیه و تحلیل شود. نتیجه این تحلیل مشخص می‌کند که آیا طبق نظر داوری کارشناسان موضوع، استخراج و استنباط ما از منابع مفهوم‌شناسی معتبر و مفید هست یا نه. به دیگر سخن، مشخص می‌شود که مؤلفه‌های به دست آمده در مفهوم‌شناسی معرف آن عناصر ممکن است که می‌توانند از مفهوم مد نظر حکایت کنند یا خیر. طبق آنچه شولتز و همکارانش (۲۰۱۴) بیان کرده‌اند، برای این بررسی می‌توان از دو ضریب «نسبت روایی محتوا»^۴ (CVR) و «شاخص روایی محتوا»^۵ (CVI) استفاده کرد.

یک. محاسبه شاخص روایی محتوا

CVI برای هر یک از مؤلفه‌ها، به صورت تجمیع امتیازات موافق برای هر مؤلفه تقسیم بر تعداد کل کارشناسان داور است که نظرشان را بر اساس امتیازهای «بسیار مرتبط»، «مرتبط»، «تاحدی مرتبط» و «غیرمرتبط» علامت زده‌اند. امتیازات موافق شامل جمع امتیازات درج شده مربوط به «بسیار مرتبط» و «مرتبط» است (پولیت و بک، ۲۰۰۶). طبق پیشنهاد لین (۱۹۸۶) به نقل از: پولیت و بک، (۲۰۰۶) نمره CVI برای تک تک مؤلفه‌ها نباید کمتر از ۰/۷۸ باشد که در غیر این صورت، مؤلفه مد نظر روایی لازم برای آن مفهوم را ندارد و باید حذف شود یا پس از بازنگری دوباره روایی سنجی شود.

دو. محاسبه نسبت روایی محتوا

برای تعیین CVR از کارشناسان درخواست می‌شود بر اساس مستندات عرضه شده نظرشان را درباره ضرورت هر مؤلفه برای مفهوم مد نظر درج کنند. درج نظر بر اساس طیف امتیازی

1. Lynn, M. R.
2. Polit, D. F.
3. Beck, C. T.
4. Content Validity Ratio (CVR)
5. Content Validity Index (CVI)

«ضروری»، «غیرضروری ولی مفید» و «غیرضروری» انجام می‌شود (شولتز و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۸۵). سپس نسبت روایی محتوا بر اساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این رابطه، n_E تعداد کارشناسانی است که گزینه «ضروری» را برای مؤلفه‌ای علامت زده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه‌شده از مقادیری که در جدول ۴ آمده بزرگ‌تر باشد محتوای آن مؤلفه نسبت به مفهوم مد نظر پذیرفته می‌شود:

جدول ۴: حداقل CVR برای تصمیم‌گیری درباره مؤلفه‌ها (نقل از: حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۰)

| حدافل CVR | تعداد کارشناسان پاسخ‌گو |
|-----------|-------------------------|
| ۰/۹۹ | ۷ و کمتر از ۷ |
| ۰/۸۵ | ۸ |
| ۰/۷۸ | ۹ |
| ۰/۶۲ | ۱۰ |
| ۰/۴۹ | ۱۵ |
| ۰/۴۲ | ۲۰ |
| ۰/۳۷ | ۲۵ |
| ۰/۳۳ | ۳۰ |
| ۰/۲۹ | ۴۰ |

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، هرچه تعداد کارشناسان بیشتر می‌شود میزان CVR برای تصمیم‌گیری درباره مؤلفه‌ها کمتر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، مفاهیم کلیدی در فرآیند مفهوم‌شناسی توصیف و تبیین شدند. مفهوم‌شناسی فرآیند بازشناسی عناصر معنایی هر مفهوم است که در حقیقت ساختار اطلاعاتی آن مفهوم را نشان می‌دهند. اگر مفهوم‌شناسی به منظور سنجش مفهوم انجام شود عناصر معنایی می‌توانند نشانگرهایی باشند که در سنجه یا آزمونی به کار می‌روند. روند مفهوم‌شناسی در منابع اسلامی مبتنی بر مفهوم‌سازی در منابع اسلامی است؛ چراکه معتقدیم قرآن کریم و ادبیات حدیثی سیره‌ای معصومان علیهم‌السلام در توصیف موضوعات و موقعیت‌های گوناگون از جمله موضوعات روان‌شناختی شامل مفهوم‌سازی است. محصول

مفهوم‌شناسی، چه در فرآیند بازشناسی مفهوم و چه در فرآیند کاربرد مجدد مفهوم در قلمروی خاصی از علم، ساختار اطلاعاتی مفهوم است. در صورتی که بین چند شیء، رویداد یا ویژگی خارجی رابطه‌ای برقرار کنیم یک سازه را استنباط کرده‌ایم. از این رو سازه را می‌توان عناصر معنایی و روابط میان آن عناصر در یک مفهوم دانست. به خلاف مفهوم، عناصر سازه ابداعات نظری ما هستند که با مشاهدات مرتبط‌اند اما خودشان مستقیم یا غیر مستقیم مشاهده نمی‌شوند. مفاد پرسش‌نامه‌ها از جمله عناصر سازه‌ای هستند که پرسش‌نامه برای سنجش آن ساخته شده است. مفهوم‌شناسی در گستره مفاهیم اسلامی - روان‌شناختی شامل مشخص کردن مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مفهومی است که حضور جمعی آنها از بودن یا نبودن یک مفهوم حکایت می‌کنند. این مؤلفه‌ها می‌توانند به نشانگرهای رفتاری سازه‌ای روان‌شناختی اشاره داشته باشند. و بالأخره، جنبه‌های خاصی از مفهوم که تعدادی نشانگر روان‌شناختی هم‌سورا در بر دارد ابعاد مفهوم نامیده می‌شود که از طبقه‌بندی تحلیل مؤلفه‌های مفهوم با نگاهی روان‌شناختی به دست می‌آید.

فرآیندهای مفهوم‌شناسی در دو مرحله کلان، شامل «جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی»، و «تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های مفهومی» انجام می‌شود که البته زمانی می‌توان گفت ساختار اطلاعاتی مفهومی دینی از دیدگاهی روان‌شناختی بررسی شده که تمامی فرآیندها در این دو مرحله کلان با توجه به «طبقه‌بندی تحلیل مؤلفه‌ها در ابعاد روان‌شناختی» به نتیجه برسد. طبقات پیشنهادی برای تحلیل مؤلفه‌ها در ابعاد روان‌شناختی عبارت‌اند از: جهت‌گیری‌ها، ویژگی‌های رفتاری، تجربه‌های درونی و کارکردهای روان‌شناختی. نتیجه این طبقه‌بندی مشخص شدن نسبت مؤلفه‌های مفهوم مد نظر با نظام روان‌شناختی است.

استنباط و جمع‌آوری مؤلفه‌های مفهومی بر شناسایی «عناصر معنایی» و «عناصر ادبیاتی» در منابع دینی مبتنی است. عناصر معنایی معمولاً در گوهر معنا یافت می‌شوند. کشف گوهر معنایی هر واژه به واسطه شناسایی و جمع‌آوری تعریف‌های لغت‌شناسان انجام می‌شود. عناصر ادبیاتی مفهوم شامل ویژگی‌هایی است که در ادبیات متون دینی شرط تحقق مفهوم محسوب می‌شود. زیرا ادبیات دینی برای هر مفهوم، تعریف مشخصی دارد که ممکن است با تعریف واژه، مطابق باشد یا نباشد. از این رو لازم است تعریف ادبیات دین از مفهوم بررسی شود. جمع‌آوری گزاره‌های مفهوم‌شناختی در متون دینی و استنباط عناصر ادبیاتی دینی، دو عملیاتی هستند که لازم است برای بازیابی عناصر تحقق مفهوم در ادبیات دینی پیگیری شود. در این قسمت، در پی آنیم که بدانیم

مفهوم منتخب در منابع دینی از چه مؤلفه‌هایی برخوردار است. به عنوان شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در فرآیند مفهوم‌شناسی، سه اقدام مرکزی‌سازی، نمایش و بررسی روایی محتوایی مؤلفه‌ها انجام می‌شود. مرکزی‌سازی شامل تلخیص داده‌های کیفی و مرحله‌ای از تحلیل داده‌ها است که به تنظیم، پالودن و زدودن اضافات موجود در داده‌ها می‌پردازد تا بتوان آنها را به نظم درآورده و سازمان داد و نتیجه‌گیری نهایی را به عمل آورد. عرضه و نمایش به ظاهر ساختن مجموعه‌ای سازمان‌یافته از داده‌ها اشاره دارد که به کمک آن می‌توان نتیجه‌گیری را به عمل آورد. در روایی‌سنجی محتوایی، این مسئله بررسی می‌شود که اولاً، تا چه حد استخراج و استنباط ما از منابع مفهوم‌شناسی معتبر و مفید است؛ و ثانیاً، مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از متون دینی به چه میزان می‌توانند مفهوم مد نظر را به شکل متمایزکننده‌ای نشان دهند.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۱). ترجمه: محمد مهدی فولادوند، تهران: اسوه.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*، تحقیق و تصحیح: محمود محمد الطنحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه قمی (الصدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳). *معانی الأخبار*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه قمی (الصدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس، محمد (۱۴۰۴). *معجم مقانیس اللغة*، تحقیق و تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، تصحیح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹). *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، تحقیق و تصحیح: محمد حسین حسینی جلالی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی‌تا). *المحکم والمحیط الأعظم*، تحقیق: عبدالحمید هنداووی، بیروت: دار الکتب العلمیة.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی.
انجمن روان‌شناسی امریکا (۱۳۹۳). راهنمای نگارش و نشر مقاله علمی، ترجمه: احمد علی‌پور، اکبر رضایی و
یوسف ساجدی‌فر، تهران: کتاب ارجمند.

ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه.

ایمان، محمدتقی؛ کلاته‌ساداتی، احمد (۱۳۹۲). روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان، قم: پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه.

بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
بن‌حمید، صالح بن عبدالله؛ و دیگران (۱۴۱۸). نضرة النعمیم فی مکارم اخلاق الرسول الکریم ﷺ، جدّة: دار
الوسيلة.

پسندیده، عباس (۱۳۸۴). پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

پسندیده، عباس (۱۳۸۸). اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت، و دانشکده علوم حدیث.

پسندیده، عباس (۱۳۸۹). مبانی و عوامل شادکامی در اسلام با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، فصل دوم، رساله
دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش قرآن و متون، استاد راهنما: دکتر محمود گلزاری، استادان مشاور:
عبدالهادی مسعودی و دکتر فرید براتی‌سده، قم: دانشکده علوم حدیث.

پسندیده، عباس (۱۳۹۶). روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربردی آن در مفهوم حیا، در: اخلاق و حیانی،
ش ۱۲، ص ۹۶-۶۷.

پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۹۲). فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی، تهران: فرهنگ معاصر.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، قم: دفتر
تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح، تحقیق: أحمد عبدالغفور العطار، بیروت: دار العلم للملایین.

حاجی‌زاده، ابراهیم؛ اصغری، محمد (۱۳۹۰). روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و
بهداشتی، تهران: جهاد دانشگاهی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم - الدار الشامیه.

رکعی، محمد؛ نصرتی، شعبان (۱۳۹۶). میدان‌های معنایی در کاربردی قرآنی، قم: سازمان چاپ و نشر
دارالحدیث.



زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق و تصحیح: هلالی علی و علی سیری، بیروت: دار الفکر.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹). أساس البلاغة، بیروت: دار صادر.

سرمد، زهره؛ بازگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.

سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰). ساختن ابزارهای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهشی در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر دیدار.

شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سید محمد؛ پسندیده، عباس (۱۳۹۳). «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت در پایه منابع اسلامی»، در: مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ش ۱۵، ص ۷-۳۸.

طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۰). منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه.

الطریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۶۷). مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). الأمالی، قم: دار الثقافة.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عباسی، مهدی (۱۳۹۶). الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

عباسی، مهدی (۱۳۹۰). ساخت مقیاس سبک لذت‌جویی بر اساس منابع اسلامی و رابطه آن با سلامت عمومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، استاد راهنما: هادی بهرامی احسان، استاد مشاور: ناصر سقایی بی‌ریا و غلام‌رضا صرامی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

علی‌پور، مهدی؛ حسینی، سید حمیدرضا (۱۳۹۰). پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۰). روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین، قم: هجرت.

- الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: مؤسسة دار الهجرة.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). معناشناسی شناختی قرآن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰). تفسیر فرات کوفی، تحقیق و تصحیح: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع والنشر فی وزارة الارشاد الاسلامی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان الحکمة، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مدنی، علی خان بن احمد تاب (۱۳۸۴). الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹). «روش فهم حدیث»، در: مدرسان دانشکده علوم حدیث، دانش حدیث: پژوهش‌های کاربردی در شناخت دانش‌های حدیثی، قم: جمال، ص ۱۵۵-۲۰۹.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الأمالی، تحقیق و تصحیح: حسین ولی و علی‌اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید.
- Babbie, E. (2011). *The Basic of Social Research*, USA: Wadsworth, Cengage Learning.
- Diener, E.; Emmons, R. A.; Larsen, R. J.; Griffin, S. (1985). "The Satisfaction with Life Scale", in: *Journal of Personality Assessment*, vol. 49, pp. 71-75.
- Gilman, R.; Huebner, S.; Buckmana, M. (2009). "Life Satisfaction", In: Lopez, J. (ed.). *The Encyclopedia of Positive Psychology*, Wiley –Blackwell, p. 582.
- Huta, V; Waterman, A. S. (2013). "Eudaimonia and Its Distinction from Hedonia: Developing a Classification and Terminology for Understanding Conceptual and Operational Definitions", in: *Journal of Happiness Studies*, vol. 14, pp. 1-32.
- Langacker, W. Ronald (2002). *Concept, Image, and Symbol: The Cognitive Basis of Grammar*, New York: Mouton De Gruyter.
- Lopez, J. S. (Ed.) (2009). *Encyclopedia of Positive Psychology*, USA: Blackwell.

- Miles, M. B.; Huberman, A. M.; Saldaña, J. (2014). *Qualitative Data Analysis, A Methods Sourcebook*, USA: SAGE Publications, Inc.
- Peabody, D.; De Raad, B. (2002). "The Substantive Nature of Psycholexical Personality Factors: a Comparison across Languages", in: *Journal of Personality and Social Psychology*, 83 (4), pp. 983-97.
- Polit, D. F.; Beck, C. T. (2006). "The Content Validity Index: Are You Sure You Know What's Being Reported? Critique and Recommendations", in: *Research in Nursing & Health*, vol. 29, pp. 489-497.
- Shultz, K. S.; Whitney, D. J.; Zickar, M. J. (2014). *Measurement Theory in Action, Case Studies and Exercises*, New York: Routledge.
- VandenBos, G. R. (Editor in Chief) (2015). *APA Dictionary of Psychology*, Washington, DC: American Psychological Association

